

بازنمایی معنای اعتماد سیاسی در زندگی سیاسی امام خمینی(ره)

سیدجواد امام جمعه زاده^۱
راضیه مهرابی کوشکی^۲

چکیده

مسئله اصلی این مقاله، فهم معنای اعتماد سیاسی در بستر زندگی سیاسی امام خمینی(ره) است. اینکه امام دو دوره کلان از زندگی سیاسی خود یعنی قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران چگونه اعتماد سیاسی را معنا و چه قواعدی برای تداوم آن لحاظ کرد؟ در این نوشتار تلاش می شود تا با رویکردی نو به اندیشه و عمل امام(ره) و با تمسک به «نظریه کاربردی زبان» و بهره مندی از امکانات جامعه‌شناختی آن، با بازنمایی معنای «اعتماد سیاسی» در زندگی سیاسی امام خمینی(ره) به فهم مناسبی از این مفهوم دست یابیم. بر اساس این رویکرد، «اعتماد سیاسی» به عنوان یک زبان در دل بازی‌ای محصور است که «قواعد» و «نظام پیروی از قواعد» آن را صورت زندگی تعیین می کند. لذا در این پژوهش زندگی سیاسی امام(ره)، بستر مناسب برای فهم و توصیف معنای آن لحاظ می شود. بررسی دو دوره از حیات سیاسی امام در دوران مبارزه و رهبری نشان داد که ایشان به عنوان سیاستمداری عمل‌گرا و مجتهدی که به مقتضیات زمان و مکان توجه دارد با شناخت خصوصیات روانی، جامعه‌شناختی و مذهبی زندگی ایرانی معنایی از مفهوم اعتماد سیاسی را سامان می دهد که در آن قواعد «دولت خدمت‌گزار» و «ملت حمایت‌گر» تسهیل کننده رابطه شهروندان و دولت در جهت همکاری و انجام امور است. در این بازی زبانی ادراک شهروندان از عملکرد دولت بر مبنای خدمت‌گزاری شکل می گیرد و در مقابل افراد اطمینان و اعتماد خود را در قالب پشتیبانی و حمایت از نظام و کارگزارانش ابراز می کنند. تجربه زندگی سیاسی امام نشان داد آنگاه که قواعد اعتماد بر مبنای زور و ارباب چیده شود و دولت نیازی به اعتماد شهروندان احساس نکند و برای حفظ کیان خود به نیروها و قدرت‌های خارجی تکیه زند؛ آفاتی گریبان گیر جامعه و نظام سیاسی خواهد شد که در آن پیروان و بازیگران قواعد سیاسی به دشمنی، تنفر، کارشکنی و بی‌قانونی روی خواهند آورد.

کلید واژه‌ها: امام خمینی، صورت زندگی، بازی‌های زبانی، اعتماد سیاسی، حمایت سیاسی، دولت خدمت‌گزار

Email: javademam@yahoo.com

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

Email: mehrobi_allame@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۸

مقدمه

به نظر می‌رسد، امام خمینی(ره) یکی از معدود کسانی در تاریخ معاصر ایران است که قواعد زندگی سیاسی مردم را به خوبی شناخت، آن را با آموزه‌های سیاسی اسلام هم جهت و متحول کرد و با همکاری و مساعدت ملت ایران، منظومه سیاسی بنا نهاد که علیرغم تهدیدات بیرونی و گاهی داخلی، توانست به حیات خود ادامه دهد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که جامعه‌شناسان وجود آن را به حیات و دوام نظام-های سیاسی عمدتاً مردم‌سالار، گره زده‌اند؛ «اعتماد سیاسی»^۱ است. مفهومی پیچیده و بحث‌برانگیز که شارحان آن هر یک به فراخور زمینه مورد مطالعه‌شان، با پررنگ کردن ابعاد آن، عمدتاً به پیامدها و آثارش اهمیت می‌دهند. به نحوی که میزان بالای تفاهم میان دولت و ملت با شاخص‌هایی چون: ترجیح علایق جمعی به فردی، همکاری، فداکاری، مساعدت، تحمل سیاسی و پایبندی به اصول زندگی سیاسی سنجیده می‌شود و در حالت کسری و کمبود اعتماد میان حکومت و حکومت‌شوندگان، یأس و ناامیدی، کاهش تعهدات سیاسی، عدم شرکت در انتخابات، سوءظن به حاکمیت، انزوای سیاسی افراد، کاهش تحمل و بالا رفتن ناراضی‌مندی، افول فداکاری و جان‌فشانی برای اصول و اهداف نظام سیاسی و تنهایی دولت در شرایط ناامنی و جنگ انتظار می‌رود.

با توجه به اهمیت موضوع، مسئله اصلی این مقاله، آشکارسازی و فهم زبان اعتمادسیاسی در بستر زندگی سیاسی امام خمینی(ره) است. اینکه امام در دو دوره کلان از زندگی سیاسی خود یعنی قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران چگونه اعتماد سیاسی را معنا و چه قواعدی برای تداوم آن لحاظ کرده است؟ در این نوشتار تلاش می‌شود تا با رویکردی نو به اندیشه و عمل امام(ره) و با تمسک به برخی امکانات جامعه‌شناختی «نظریه کاربردی زبان»، به فهم مناسبی از زبان «اعتماد سیاسی» در زندگی سیاسی امام خمینی(ره) دست یافت. از این رو زندگی سیاسی امام، بستر مناسب برای فهم و توصیف معنای آن و تعیین قواعد و نظام پیروی از قواعد آن لحاظ می‌گردد. در این فرصت همچنین نگاهی به این مسئله خواهیم داشت که امام خمینی چگونه توانست قواعد و نظام پیروی از زبان اعتماد سیاسی مردم ایران را در جهت سرنگونی رژیم شاه و استقرار حکومت اسلامی به رهبری خود جذب نماید؟ به نظر می‌رسد برخورداری امام از ظرفیت اعتمادساز نظام مرجعیت شیعه و مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ایشان، به تدریج اطمینان و علاقه مردم را به سمت قواعد و آرمان‌های او جذب کرد و مجموعه‌ای از یاران معتمد را برای تغییر زندگی سیاسی به سمت نظام مطلوب مهیا نمود.

رویکرد بازی‌های زبانی وسیله تحلیل ما در رسیدن به این پاسخ‌ها قرار گرفته لذا پس از شرح مختصری از آن، نگاهی به ادبیات مفهوم اعتماد سیاسی خواهیم داشت و سپس مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد سیاسی از منظر امام در دوران مبارزه و رهبری بررسی خواهد شد.

1. Political Trust

۱. الگوی تحلیلی

پارادایم تفسیری - تفهیمی با برخورداری از سنت‌های مختلف عمدتاً تلاش دارد به فهم عمیق و چندلایه از پدیده‌های انسانی و اجتماعی دست یابد لذا کاوش و بازنمایی معنای ناپیدای پدیده‌ها مهم‌ترین دغدغه طرفداران آن و اغلب زندگی روزمره بستر مناسب برای فهم تجربه زیسته افراد قرار گرفته است (منوچهری، ۱۳۹۰: ۵۲؛ ۵۶). هرچند این مجال، پاسخگوی ورود به جزئیات بیشتر پارادایم مذکور نیست اما با ورود به امکانات معناشناسانه و جامعه‌شناختی یکی از سنت‌های فلسفی آن یعنی نظریه کاربردی زبان «ویتگنشتاین»^۱، که شرح مفصل آن در کتاب «پژوهش‌های فلسفی»^۲ وجود دارد؛ برآینم تا این امکانات را در فهم و بازنمایی معنای اعتماد سیاسی از منظر امام به کار بریم. یافتن قواعد معناکاوی از تعقیق‌های فلسفی ویتگنشتاین که به ظاهر به یک سری خیالات فلسفی عجیب و غریب می‌ماند کار ساده‌ای نیست. اما همین نگاه پیچیده اجتماعی و فلسفی، آشخور بسیاری از نظریات جدید در حوزه‌های مختلف علوم انسانی به‌ویژه اندیشه‌های جامعه‌شناختی گردیده است. از سوی دیگر بیان گام به گام قواعد معناشناسانه بازی‌های زبان تنها برای آشنایی و شناخت این امکانات انجام می‌شود. چرا که در مرحله کاربست آن در فهم یک پدیده یا مفهوم اجتماعی باید همزمانی و در هم پیچیدگی این مراحل را لحاظ کرد و لذا نمی‌توان کاربرد پلکانی و تفکیک‌شده از این امکانات انتظار داشت.

معنا در کاربرد یعنی بازی‌زبانی و صورت زندگی حاصل می‌شود

نظریه بازی‌های زبانی^۳ (نظریه کاربردی زبان) با پیوند معنای هر واژه یا گزاره در «کاربرد» یا «صورت زندگی»^۴ آن، از تعریف ذات‌گرایانه و جهان‌شمول از پدیده‌ها و مفاهیم دوری می‌کند. از این منظر، واژه‌ها و مفاهیم در زمینه‌های مختلف، معانی متفاوتی دارند لذا باید ملاحظه کرد در زندگی روزمره چگونه به کاررفته‌اند (ویتگنشتاین، ۱۳۸۰: بند ۷؛ همو، ۱۳۸۳: بند ۱۷۳). برای مثال معنای سنگ در کاربردهایی چون جنگ، معنای یک پرتابه را دارد؛ در علم باستان‌شناسی معنای آن با انباشت لایه‌های تاریخی گره خورده و یا در یک جواهر فروشی معنای یک شیء گرانبها را انعکاس می‌دهد. به این ترتیب، معنا پدیده-ای زمانی و مکانی است و معنادار بودن یک گزاره یا مفهوم، به زمینه اجتماعی کسانی پیوند می‌خورد که آنرا به کار می‌برند. از این آموزه می‌توان در فهم کنش‌های سیاسی و اجتماعی چنین بهره برد که معانی کنش‌ها و پدیده‌های انسانی، نه در آگاهی فردی کنشگران که در فعالیت‌های اجتماعی و زمینه‌ای که افراد در آن درگیراند، ساخته می‌شود (روبینشتاین، ۱۳۸۶: ۲۵۲).

1. Ludwig Wittgenstein
2. Philosophical Investigations
3. The Theory of language games
4. Use
5. Form of life

از سوی دیگر، این کاربرد با زمینه زبانی یا «بازی زبانی»^۱ متناسب آن کاربرد، پیوند دارد (همان، ۱۳۸۰: بند ۷). به طور کلی در نظریه کاربردی زبان، «زبان» بخشی از زندگی اجتماعی است و آن را باید یکی از صور مختلف فعالیت انسانی دانست (ویتگنشتاین، ۱۳۸۰: بند ۱۹). انسان‌ها با زبان زندگی می‌کنند و زبان در تمام لایه‌های زندگی نفوذ دارد. آمیختگی فعالیت‌های زبانی با فعالیت‌های غیرزبانی چنان است که برای فهم بخش زبانی لازم است به بخش غیرزبانی به عنوان زمینه‌ی اجتماعی توجه کرد:

«کل زبان، شامل زبان [گفتار] و اعمالی را که در آن بافته شده است، را «بازی زبانی» خواهیم نامید.»

«با اصطلاح «بازی زبانی» قصد برجسته ساختن این واقعیت را داریم که .. زبان بخشی از یک فعالیت [بازی]، یا بخشی از یک صورت ندگی است» (ویتگنشتاین، ۱۳۸۰: بند ۷ و ۴۴).

به این ترتیب ویتگنشتاین در توضیح معنای «کاربرد» از دو مفهوم «بازی زبانی» و «صورت زندگی» استفاده می‌کند. در آثار او، «بازی زبانی» گاه صورتی از زندگی تصور شده و گاه بازی زبانی بخشی از «صورت زندگی» توصیف شده به نحوی که یک صورت زندگی مجموعه‌ای از بازیهای زبانی را در دل خود دارد. ضمن آنکه یک صورت زندگی خود مجموعه متنوعی از اشکال فرعی همچون زندگی سیاسی، اجتماعی، صنفی، فکری، دینی، اقتصادی و ... را در بردارد.

معنا در فهم قواعد مندرج در بازی زبانی حاصل می‌شود.

به نظر می‌رسد زبان وقتی فهمیده می‌شود که بازی زبانی و «صورت زندگی» مربوط به آن فهمیده شود [فهم اعتماد سیاسی در شکل زندگی سیاسی] و فهم از زندگی روزمره و بازی‌های زبانی وقتی حاصل می‌شود که قواعد مندرج در آنها فهمیده شود. ویتگنشتاین برای توضیح زبان آنرا به بازی تشبیه می‌کند و معتقد است زبان مانند بازی از قوانینی پیروی می‌کند که معنا درون آن مندرج است و برای شناخت و فهم زبان (اعتماد سیاسی) می‌بایست این قواعد را آموخت.

معنا در فهم نظام پیروی از قواعد کامل می‌شود.

قواعد یک بازی زبانی محصول توافق یا تفسیر مشترک افرادی است که ناخودآگاه ذهن آنان تحت تأثیر موقعیت خاص، عرف و عادت محصور شده است. لذا منشاء توافق افراد بر سر قواعد بازی، نوع تربیتی است که تفسیری از قاعده را مناسب و تفسیر دیگر را مقتضی نمی‌داند. به این فضای تفسیری «اتاق بصری»^۲ نیز گفته می‌شود. از نظر ویتگنشتاین ادراک، بسیار تحت تأثیر تجربیات گذشته، عادات و شکل زندگی افراد است.^۳ لذا آنچه فرد از یک گزاره یا قاعده معنا می‌کند بستگی به اتاق بصری دارد که درون

1. Language game

2. Visual Room

۳. انعکاس جامعه شناسی این مطلب این است که: فهم کنش نیازمند فهم ذهن و نیت خوانی نیست بلکه باید به زمینه و نظام کردارهای اجتماعی مراجعه کرد. به باور ویتگنشتاین، فهم ایده‌ها در زمینه زندگی، عملی است [معنا در کاربرد محقق می‌شود] و

آن قرار دارد(ویتگنشتاین، ۱۳۸۰: ۳۴۶). در این منظومه فلسفی نه تنها فهم «قواعد» بلکه «پیروی از قواعد» نیز اهمیت دارد. افراد «پیروی از قواعد» را از قبل نمی‌آموزند. قواعد در حین عمل بدست می‌آید و آموخته می‌شوند بنابراین قواعد از قبل وجود ندارند(ویتگنشتاین، ۱۳۸۵: ۱۷۳). به‌عنوان مثال کودک ترس از یک خزنده را در اثر تجربه واکنش اطرافیان می‌آموزد و این قاعده را در زندگی خود پیاده می‌کند. این قاعده حاصل «توافقی» است که بازیگران این بازی در کاربرد و تجربه از جانوران خزنده به‌دست آورده‌اند. گیدنز^۱ منشأ شکل‌گیری اعتماد سیاسی را از چنین مقوله می‌داند. به بیان او «اعتماد بنیادین^۲» حاصل نوعی اجتماعی شدن ناخودآگاه است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی شکل می‌گیرد(گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

قواعد در بازی‌زبانی، پویا و انعطاف‌پذیرند و این مسئله می‌تواند به ناکارآمدی و آشفتگی و توقف بازی منتهی می‌گردد(هریس، ۱۳۸۱: ۱۰۸). قواعد در ابتدا واضح نیستند و ابهام دارند، اما به مرور برای بازیگران شفاف می‌شوند. لذا برخی پس از آشکار شدن قواعد، از آن خارج می‌شوند. قواعد هر بازی برای بازیگران آن شفاف است (ویتگنشتاین، ۱۳۸۰: ۱۰۰). اینکه چه می‌شود فردی از بازی‌زبانی گسسته می‌شود و وارد بازی‌زبانی دیگر می‌شود. به‌نظر می‌رسد تغییر در باورهای بنیادین^۳ افراد(ویتگنشتاین، ۱۳۸۳: بند ۲۹۸) باعث تغییر در شکل زندگی و تغییر در بازی‌های زبانی و قواعد آن می‌شود(همان، ۶۵). به دیگر سخن، زمانی که فرد به‌دلیل تجربه، تربیت، «تغییر عقیده^۴» و یا «اقناع^۵» با سوالاتی مواجه می‌شود که قواعد موجود توانایی پاسخویی به آنرا ندارد؛ یا وارد بازی جدید می‌شود و یا اینکه خود با بهره‌گیری از تجربه، نبوغ و خلاقیت به ایجاد بازی و قواعد جدید اقدام می‌کند. برای مثال رفتار و گفتار سیاسی امام یک نوآوری زبانی از حیث رابطه شهروندان و جامعه و نظام سیاسی محسوب می‌شود. آنگاه که زبان علمای شیعه برای دوران غیبت، قاعده‌ای مبتنی بر حاکمیت مطلق فقیه در رأس قدرت سیاسی وضع نکرده بود؛ امام در کتاب ولایت فقیه به پی‌ریزی زبانی اقدام نمود که در آن به حضور فعال فقها در رأس زندگی سیاسی جامعه شیعی به‌عنوان جانشینان امام معصوم تأکید می‌کرد(فلاح، ۱۳۸۶: ۶۳).

سؤال مهم این است که چگونه می‌شود این قواعد را شناخت و آن را از دل بازی‌های زبانی و صورت زندگی استحصال کرد؟ فهم چگونگی «پیروی از قاعده» شیوه‌ای است که ویتگنشتاین آن را برای شناخت و به‌دست آوردن قاعده بازی پیشنهاد می‌کند. این مسئله از این جهت مفید است که وقتی مفسری بر قواعد یک بازی تسلط کافی دارد می‌تواند مانند یک داور، در مورد درستی و نادرستی گزاره‌ها یا رفتارها در

دستیابی به تجربه سوژکتیو یا ذهن کنشگر معنا را کامل نمی‌کند(روبینشتاین، ۱۳۸۶: ۲۲۶) برای مثال جهت فهم و کشف نیت رفتاری مانند اشاره یا علامت دادن یک راننده، به تجربه ذهنی فرد کنشگر مراجعه نمی‌کنیم بلکه به زمینه انجام عمل توجه خواهیم کرد که عادات و رسوم آن محیط علامت را چگونه توضیح می‌دهد(ویتگنشتاین، ۱۳۸۰: بند ۳۳۷).

1. Gidenze
2. Basic Trust
3. Fundamental beliefs
4. Conversion
5. Persuasion

یک بازی‌زبانی قضاوت کند و حتی قواعد جدیدی پیشنهاد نماید. درک اینکه افراد یک بازی در مورد پیروی از قواعد چگونه باهم به توافق رسیده‌اند و شناسایی قواعد و به‌دست آوردن نقشه و شبکه مفاهیم مؤثر بر آن؛ تنها از طریق تجربه امکان‌پذیر است. ویتگنشتاین باور دارد، فقط در حین کاربرد ممکن است ماهیت قواعد و چگونگی پیروی از آن را آموخت (ویتگنشتاین، ۱۳۸۵: ۱۷۳). به‌نظر می‌رسد امام خمینی (ره) به‌عنوان مفسری که هم در صحنه سیاسی حضور دارد و هم با زمینه اجتماعی موضوع زندگی کرده است، بهتر می‌تواند قواعد بازی‌های زبانی از جمله اعتماد سیاسی را درک و معنای آن را بفهمد. ایشان هم به‌عنوان ناقد و چالشگر صورت زندگی تحمیل شده توسط رژیم پهلوی و هم سازنده بازی جدید یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران، مفسری است که می‌توان با مراجعه به او مفاهیم سیاسی را بازتعریف و توصیف کرد. به‌خصوص آنکه خود در شکل‌دهی و معنادهی به بازی‌های جدید و حتی شکل تازه‌ای از زندگی سیاسی مهم‌ترین نقش را داشته و توانسته توافق و مشارکت مردم ایران در اجرای قواعد جدید جذب نماید.

۲. اعتماد سیاسی

نظریه کاربردی زبان از تعریف ذات‌گرایانه از پدیده‌ها و مفاهیم دوری می‌کند، معنای هر واژه یا گزاره را در کاربرد یا صورت زندگی یا زمینه پیدایش آن پیوند می‌دهد و فهم حاصل شده، هویت و ویژگی‌های منحصر به فردی خواهد داشت. لذا این نوشتار، در صدد تعریف جامع و جهان‌شمول از مفهوم اعتماد سیاسی نیست چرا که قواعد هر بازی‌زبانی با توجه به ساخت و زمینه آن متفاوت است اما پیروان آن معمولاً یکسان هستند و در تمام بازی‌های هم خانواده در موضوع اعتماد سیاسی، این شهروندان و مجموعه نظام سیاسی است که نظام پیروی از قواعد را تشکیل می‌دهند هر چند که قواعد متفاوتی در میان آنان ممکن است جاری باشد.

«اعتماد سیاسی» از جمله مفاهیم مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است که در سال‌های اخیر در ضمن مباحث مربوط به «سرمایه اجتماعی»^۱ مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. پیش‌فرض اساسی در مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی، ارزشمندی پیوندها و روابط میان گروه‌ها و افراد و نهادها است و سرمایه ناشی از این همبستگی و پیوند، ثروت نهفته‌ای است که در روابط اجتماعی میان کنشگران اجتماعی حضور داشته و پیامدهایی همچون دستیابی جامعه به اهداف مشترک، حفظ و تقویت انسجام و همبستگی را به‌دنبال دارد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۶۹). «اعتماد سیاسی» یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی و از مفاهیم پیچیده و بحث‌برانگیز بوده که ناظر به رابطه دوسویه فرد و نظام سیاسی است. بر خلاف اعتماد اجتماعی که در سطح افقی و بینا فردی جریان دارد، اعتماد سیاسی در سطح عمودی از روابط اجتماعی حاکم است و طیف وسیعی از سوءظن یا حمایت گسترده شهروندان از نظام سیاسی، نهادها،

۱. سرمایه اجتماعی را از این جهت سرمایه می‌نامند که افراد و گروه‌ها از طریق ارتباط بایکدیگر منابع و سرمایه‌ای به‌دست می‌آورند که در جهت سازماندهی جمعی و داوطلبانه و حل مشکلات و مسایل عمومی به کار می‌رود (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۰).

احزاب و یا سیاست‌ها را شامل می‌شود (Wroe, 2012:9). «ایستون^۱» اعتماد سیاسی را «مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی می‌داند که هم به رژیم سیاسی و هم متصدیان اقتدار در جامعه باز می‌گردد». در این تعریف، اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۸۴، به نقل از Gabriel, 1995: 36) و می‌توان آن را به سطح نهادها و سازمان‌های سیاسی نیز گسترش داد (سیدامامی و منتظری‌مقدم، ۱۳۹۱: ۱۹۵). در حالی که برخی مطالعات اعتماد سیاسی را وابسته به کارآمدی و تأثیرگذاری سیاست‌های حکومت تبیین و ارزیابی می‌کنند؛ عده‌ای در پاسخ به این سؤال که چرا انجام وظایف مطابق با منافع و خواست شهروندان؛ گاهی به اعتماد منتهی نمی‌شود؟ بر این اعتقاد هستند که اعتماد و بی‌اعتمادی سیاسی تعریف خاصی ندارد و به تفسیر شهروندان از این مقوله وابسته است (Wroe, 2012:9). به عبارت دیگر تنها شاخص‌های پوزیتویستی ملاک کارآمدی و عملکرد مثبت یک نظام سیاسی نیست بلکه تفسیر و ارزیابی افراد از کارآمدی، موفقیت، تأثیرگذاری و مطلوبیت نیز اهمیت دارد. شهروندان تحت تأثیر تجربه فردی و اجتماعی خود، گاه فقدان فساد مالی را عملکرد مثبت سیستم و برخی اوقات رشد اقتصادی را مطلوب احساس می‌کنند. از این چشم‌انداز اعتماد سیاسی تابعی از احساس «اثربخشی سیاسی»^۲ است. شهروندانی که از حس اثربخشی بالایی برخوردارند، اعتماد بیشتری به موضوعات سیاسی ابراز می‌کنند (Cole: 1973).

بسیاری از تقریرات نظری موجود اعتماد سیاسی را به سبب کارکرد و تأثیرات آن بررسی می‌کنند. بر این اساس، اعتماد سیاسی به عنوان آینه‌ای وضعیت سلامت و کارآمدی سیستم سیاسی را منعکس می‌کند و اعتماد پایین، نشان از ضعف سیستم سیاسی و یا علامتی از انتظارات بالای شهروندان دارد (Newton, 2001: 205). برخی نیز حیات و دوام نظام‌های دموکراتیک و مردم‌سالار را به وجود اعتماد سیاسی گره زده‌اند (سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۸). این ایده نیز وجود دارد که در صورت اجرای مناسب قوانین در جامعه و اعمال قدرت مشروع از سوی متصدیان مربوطه، همکاری و مشارکت اعضای جامعه را در کلیه سطوح شاهد خواهیم بود و اعتماد افراد به یکدیگر تقویت خواهد شد (عباس‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۲).

مسئله مهم دیگر در این مطالعات، مربوط به مرجع یا مولد اعتماد سیاسی است. یعنی آیا تقویت اعتماد سیاسی بر عهده دولت است یا نتیجه اقدامات پایین به بالا یعنی جامعه و شهروندان محسوب می‌شود؟ پاتنام بر این باور است که مشارکت شهروندان در چهارچوب نهاد‌های مردم‌نهاد و داوطلبانه، سطح اعتماد عمومی در جامعه را افزایش می‌دهد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹). «نیوتن»^۳ متفاوت با نظر پاتنام، اعتماد سیاسی را فرایندی بالا به پایین توصیف می‌کند. این پدیده تحت تأثیر نحوه عملکرد نظام سیاسی است و عواملی چون تورم بیکاری، فساد سیاسی، پیروزی یا شکست در جنگ، رشد اقتصادی و نرخ جرم، با درجات مختلف بر میزان اعتماد شهروندان به نظام سیاسی تأثیرگذار است (Newton, 2001: 211-212) و

1. Easton

2. Political Efficacy

3. Newton

عملکرد ضعیف و نامناسب نهادهای سیاسی می‌تواند به بدبینی و بی‌اعتمادی سیاسی منتهی گردد (Williams: 1965). دیدگاه سوم برای هر دو سوی رابطه نقش مرجع و مولد متصور است. با توجه به تخصصی شدن امور، برای رفع نیازهایی چون امنیت، آسایش و رفاه، شهروندان به ارتباط با حاکمیت نیازمند هستند و گریزی از این وابستگی نیز وجود ندارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۴ و ۱۰۰). این وابستگی دوسویه بوده و دولت نیز متقابلاً نیازمند این ارتباط است. تقویت این رابطه یعنی قوام متقابل دولت و مردم و رفع نیازهایشان؛ منجر به روابط مسالمت‌آمیز و مبتنی بر اعتماد و اطمینان خواهد شد. هرچند به لحاظ فنی این چشم‌انداز کامل‌تر است، اما نمی‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که چرا گاهی رفع نیاز شهروندان و عملکرد دولت مطابق منافع و خواست‌ها، به اعتماد سیاسی منتهی نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد رویکرد کاربردی زبان و امکانات جامعه‌شناختی آن می‌تواند این جای خالی را پر کند و به پرسش مذکور پاسخ دهد. زندگی و بستر سیاسی یک جامعه، تعیین‌کننده مکانیزم و قواعد اعتماد سیاسی است. قواعدی که صورت زندگی هر جامعه تجویز می‌کند و در برداشت و تفسیر و پیروی بازیگران از قواعد معنا می‌یابد. لذا اعتماد سیاسی را می‌توان این‌گونه توصیف کرد: اعتماد سیاسی مانند زبان و بازی‌های زبانی مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد ملموس و غیررسمی یک زندگی سیاسی است که باید شامل سجایا و شاخص‌هایی باشد که همکاری متقابل شهروندان و نظام سیاسی (شرکای یک زندگی سیاسی) را افزایش دهد.

۳. زندگی سیاسی امام خمینی (ره)

در این بخش تلاش می‌شود به درک تازه‌ای از مفهوم اعتماد سیاسی در زندگی سیاسی امام دست یابیم. ایشان در دو دوره‌ی قبل و پس از انقلاب دو شکل زندگی سیاسی را تجربه نمود. در دوره‌ی نخست به عنوان مبارز و منتقد قواعد موجود در بازی‌های سیاسی رژیم پهلوی، حضور فعال داشت و در دوره‌ی دوم، که شاهد چرخش زبانی و تغییر شکل زندگی سیاسی - اجتماعی در ایران هستیم؛ به‌عنوان معمار و سازنده قواعدی جدید در نظام جمهوری اسلامی ایفای نقش می‌کند. با در نظر گرفتن اعتماد سیاسی به عنوان یک بازی‌زبانی، رفتار و گفتار امام به‌عنوان تفسیری از قواعد اعتماد سیاسی در دو مقطع مذکور، بررسی خواهد شد. ضمن آنکه بررسی این مطلب لازم به نظر می‌رسد که امام به‌عنوان یک بازیگر فعال در صحنه سیاسی ایران چگونه توانست مکانیزم «پیروی از قواعد» رژیم پهلوی را به مکانیزم «پیروی از قواعد» حکومت اسلامی تغییر دهد و منجر به چرخش اعتماد ملت ایران به باورها و قواعد سیاسی مورد نظرشان شود؟

بر اساس ایده‌ی کاربردی زبان؛ تفسیر مفسر حین عمل صورت می‌گیرد و هر عملی که کنشگر در بازی‌زبانی انجام می‌دهد تفسیری است که بسیار تحت تأثیر افاق بصری و عوامل تأثیرگذار بر آن یعنی رسوم، عادات، تعلیم و تربیت و تجربه‌های علمی و اجتماعی مفسر [امام] قرار دارد. امام تحت تعلیم مکتب و باورهایی بوده که بر اساس آن قوانین و مناسبات اجتماعی می‌بایست هماهنگ و متناسب با شریعت اسلام وضع گردد لذا هرگونه قاعده بر خلاف این باور را بر نمی‌تابد و معتقد است با توجه به زمینه مذهبی ملت مسلمان ایران نیز آن را تحمل نخواهند کرد. تفسیر ایشان از بایدها و نبایدهای سیاسی در کنش‌ها و

واکنش‌های سیاسی و اجتماعی او بروز می‌یابد و با تعطیل کردن قواعد و شکل بازی سیاسی پهلوی منظومه زبانی جدیدی می‌سازد که مملو از قواعد و معانی جدید و متفاوت است. منظومه سابق و گرامر سیاسی آن از پنجره رفتار امام، نامشروع و غیر حق و کاذب و بازی جدید حقیقی، صادق و با چهارچوب و محتوای دستوری صحیح وضع می‌شود.

به این ترتیب امام با فهم اجتهادی از شریعت، به دنیای سیاست می‌نگریست. امام مجتهدی است که فقه را با زندگی سیاسی روزمره گره‌زد و معتقد بود فقه در تمامی زوایای زندگی حضور دارد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ۵۷). لذا مراجعه به فقه را برای پاسخگویی به معضلات اجتماعی از جمله مسائل حکومتی ضروری است. امام با پیوند اجتهاد با مقتضیات زمان و مکان^۱ و مصلحت؛ از جمله مجتهدینی است که از فهم زمانی مکانی برخوردار بود و در تبیین قواعد فقهی به مصلحت و شرایط اجتماعی و زمانی نیز توجه داشت (میراحمدی، ۱۳۸۳: ۴۸).

۱-۳. زندگی سیاسی امام و اعتماد سیاسی در دوران حکومت پهلوی

در بیانات و سخنان به جای مانده از امام، واژه مرکب «اعتماد سیاسی» به کار نرفته است اما اظهارات بسیار زیادی از ایشان ثبت شده که به کیفیت و چگونگی این رابطه و قواعد حاکم بر آن با توجه به رسوم، عادات و خصایل زندگی سیاسی ایرانیان می‌پردازد. نوعی تعریف از اعتماد سیاسی در بیانات ایشان وجود دارد که بر وجود قواعدی همچون رابطه دوستانه، مسالمت‌آمیز و مفاهمه‌آمیز، احساس رضایت، رغبت و همکاری دوجانبه در میان مردم و حکومت تأکید دارد. نبود قاعده تعدی و تجاوز در اذهان پیروان این بازی (دولت و ملت) می‌تواند وجه سلبی مفهوم اعتماد سیاسی از منظر ایشان باشد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۲۳۰ و ۲۳۳). البته این تعریف با توجه به نظریه کاربردی زبان کافی و کامل نیست و باید لایه‌های عمیق‌تر آن را در بستر زندگی سیاسی امام جستجو نمود. لذا به نظر می‌رسد بخشی از معنای اعتماد سیاسی نیز در سیره و کنش‌های سیاسی اجتماعی ایشان قابل دسترسی باشد.

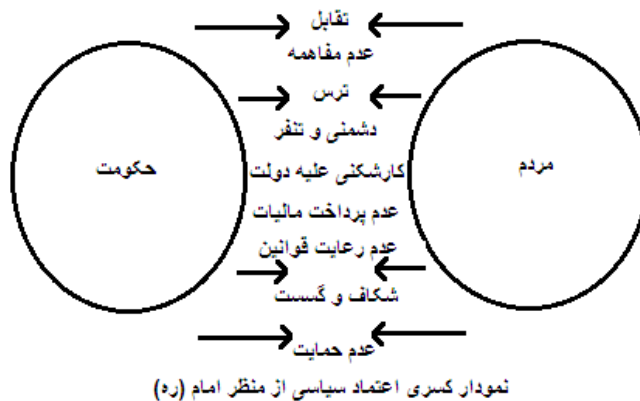
قبل از آنکه امام رسماً به عنوان مخالف، وارد صحنه مبارزه سیاسی با رژیم شاه شود، شاهد روابط ملت و دولت (رضا و محمدرضا پهلوی) بوده و آسیب‌های آن را به حافظه سپرده است. این آسیب‌ها از همان بدو تولدشان به صورت تجربه تلخ شهادت پدر، به دلیل مخالفت با سیاست‌های استبدادی و ظالمانه حکومت؛ بروز کرد و شاید بتوان گفت «اعتماد بنیادین» امام را بر ضد نظام شاهنشاهی بر ساخته ساخت. با رقه‌هایی از مخالفت و عدم اعتماد امام به این سیستم، در کتاب «کشف اسرار» نیز قابل مشاهده است (۱۸۶-۱۸۷). از این رو به نظر می‌رسد امام قبل از دوران مبارزه نیز به رابطه با نظام سلطانی اعتمادی نداشته و جایگزین دیگری برای آن ترسیم کرده بود. این در حالی بود که دین‌ستیزان، طرفداران رژیم پهلوی، غرب‌گرایان،

۱. به نظر می‌رسد این گزاره شباهت زیادی به نظری کاربردی زبان دارد امام در توضیح آن می‌نویسد: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ۲۸۹).

سکولارها، روحانیت متحجر و واپسگرا وضع موجود راضی، به سیستم سیاسی اعتماد کامل داشت و در بدترین شکل آن را می‌پذیرفت و بدان تن می‌داد(لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۶۷ و ۹۲).

امام در توصیف حکومت رضا پهلوی، دو قاعده «خدعه» و «زور» را پیوند دهنده ملت و دولت ارزیابی می‌کرد. ایشان در تشریح این دو قاعده بیان می‌کند رضاخان برای قرار گرفتن در رأس قدرت، نیازمند جذب اعتماد مردم و علما بود لذا با تظاهر به شعائر دینی و مذهبی در ایام محرم و واگذاری آزادی‌های محدود در انتخابات مجلس؛ توانست حمایت و اعتماد عمومی را جذب نماید اما با استقرار در قدرت، به ستیز با مظاهر و آموزه‌های مذهبی ملت پرداخت(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۱۷ و ۴: ۳۶۹ و ۵: ۳۱۶). «انفعال» قاعده دیگری است که امام آن را نتیجه اتکا شاه و عواملش به زور سرنیزه در وادار نمودن مردم به فرمانبری و همکاری با سیستم سیاسی می‌دانست و معتقد بود ملت نیز منفعلانه به این شرایط تن داده بود(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۹۰). قاعده دیگر «وابستگی» سیستم سیاسی به قدرت‌های خارجی و احساس بی‌نیازی از حمایت شهروندان است. به باور امام، حکومت رضاخانی هیچگاه به ارتباط و جذب رضایت مردم نیازی احساس نکرد و اعتنایی بدان نداشت(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۶۱). در عوض اعتماد و وابستگی به قدرت‌های بزرگ به خصوص انگلیس(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۴۸) تکیه‌گاهی شد که با حذف آن، حکومت پهلوی اول سقوط کرد. ایشان ادعای «شاه دوستی» و علاقه مردم به حکومت رضاشاه را کذب می‌دانست و با اشاره به اشغال کشور توسط متفقین در جنگ جهانی دوم و تبعید رضاخان از ایران؛ توضیح می‌دهد که چگونه مردم به جای مقابله با نیروهای متجاوز؛ از رفتن شاه ابراز خوشحالی و به جشن و پایکوبی پرداختند(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۱۲). بنابراین امام(ره) افول و ناکارآمدی زبان اعتماد سیاسی میان ملت و دولت رضاشاه را در جریان یافتن قواعدی همچون عملکرد استبدادی و ضد مذهبی دولت، وابستگی به قدرت‌های خارجی و نیز انفعال و ترس ملت برجسته می‌نمود.

امام تصویر واضح‌تری از مفهوم اعتماد سیاسی در دوره حاکمیت محمدرضا پهلوی، با مقایسه «حکومت‌های مردمی» و «رژیم‌های ضد خلقی» به تصویر کشیده است. از نظر ایشان در یک سازوکار حکومتی سالم، بین دستگاه حاکمه و مردم قاعده مفاهمه و تفاهم وجود دارد. اما در رژیم پهلوی، دولت و ملت در تقابل با یکدیگر و در دو قطب مخالف به سر می‌بردند. در شرایطی که میان کاربران زبان اعتماد سیاسی، شکاف عمیق ایجاد شد و دو طرف در دو قطب مخالف قرار گرفتند؛ از حمایت و پشتیبانی یکدیگر محروم شدند زیرا اصولاً حکومت به چنین حمایتی احساس نیاز نمی‌کرد و رابطه مردم با دولت بسیار منفعلانه و از روی ترس و از طریق زبان ارعاب، آزار و حبس تعریف می‌شد. در چنین فضایی ملت سعی می‌کرد از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کرده و از پرداخت مالیات فرار نماید لذا تنفر، دشمنی، بی-اعتمادی و سوءظن مشخصه بارز این رابطه محسوب می‌شد(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۲۳۰).



امام با وارد شدن به عمق زندگی سیاسی ملت ایران، نشانگان عینی تر و ملموس تری از بی‌اعتمادی سیاسی در زندگی سیاسی پیش از انقلاب ارائه کرده است:

عدم تطبیق گفتار دولت با سیاست‌های اعمالی امام بی‌اعتمادی به حکومت پهلوی را در زبان تزویر و ریای رژیم توضیح می‌داد و ادعای حکومت در تکذیب تلاش برای دخل و تصرف و حذف احکام اسلام را مغایر با عملکرد رژیم از جمله حمله به مدرسه فیضیه، تلاش برای تساوی حقوق زن و مرد و فرستادن زنان با پوشش نامناسب به سربازی می‌دانست (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۹). عدم اعتماد مردم و امام به وعده‌های شاه در ایجاد فضای باز سیاسی، برگزاری رفراندوم و عمل به قانون اساسی نیز از این منظر قابل توضیح است (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۲۵).

فساد و وابستگی سیاسی - اقتصادی تظاهرات گسترده مردم علیه رژیم، از نظر امام، نشانه‌ای از زبان بی‌اعتمادی و اعلام رأی عدم اطمینان به دستگاه پهلوی بود زیرا شاه به‌عنوان عنصری نالایق، تمام حیثیت و استقلال اقتصادی ملت را مطابق امیال خود و اطرافیان ضایع می‌نمود. ایشان بارها به شاه هشدار داد که به جای ارتباط و وابستگی به ملت، خود را وامدار بیگانگان اجانب کرده است (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۳۹ و ۳: ۴۷۲).

ترویج فساد و عدم توجه به هویت اسلامی - ایرانی ملت ایران از منظر امام رابطه پوسیده شاه و ملت ناشی از عدم درک زبان ملت در عمل به اسلام، مخالفت عملی شاه با این خواست‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۶)، ترویج فساد در میان جوانان و اجرای برنامه‌های اجتماعی استعمار در جامعه مذهبی ایران (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۰۴) است که فهم زبان دوطرف را دشوار می‌سازد.

اعمال سیاست ارباب و وحشت در جامعه و تاسیس سازمان مخوف ساواک کاربرد زبان زور توسط ارتش و نیروهای انتظامی و ایجاد فضای وحشت از طریق ساواک، یکی از مهم ترین موانع اساسی در ایجاد اعتماد و اطمینان ملت به سیستم شاهنشاهی و دستاورد آن گسترش دشمنی و شکاف بین دولت و ملت بود (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۲۹ و ۹: ۳۳). امام سرانجام زبان قلدربانانه را عصبانی شدن ملت می دانست. زیرا نمی توان یک ملت را به مدت طولانی زیر چکمه زور اداره نمود. لذا به شاه توصیه می کرد رابطه خود با مردم را تلطیف، نسبت به آنان متواضع باشد و حقیقتاً خود را خدمتگذار مردم بداند (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۹۷). اتاق بصری توده های مردم ایران، با مقصد و معنای زبانی که مملو از قواعد دین ستیزانه و ضداسلامی بود نا آشنا و ناهمراه بود. رفتارهای مغایر با صورت زندگی و فرهنگ ایرانی رژیم پهلوی، توافق همگانی برای رسیدن به یک زبان مشترک میان دولت و ملت را تنها از دریچه زور و انفعال توجیه میکرد.

۲-۳. امام خمینی (ره) و اعتماد سیاسی در چرخش زبانی از رژیم پهلوی به جمهوری اسلامی ایران

قبل از ورود به دوره استقرار جمهوری اسلامی ایران لازم است مشخص گردد که امام چگونه توانست نظام پیروی از قواعد در بازی زبانی اعتماد سیاسی را که بر مبنای زور و ارباب طراحی شده بود؛ به پیروی از قواعد بازی زبانی جدید ترغیب و جذب نماید؟ از آغاز زندگی مبارزاتی امام در دهه ۴۰ تا پیروزی انقلاب، به تدریج قواعد مورد نظر امام مورد توافق همگانی (اکثریت) و به اشتراک اذهان شهروندان ایرانی قرار می گیرد و کنش های سیاسی آنان اطمینان و اعتماد به باورهای سیاسی و بنیادین امام را منعکس می کند. این مسئله در یک بازی دوطرفه، اعتماد سیاسی را میان امام و ملت شکل می دهد:

الف - اعتماد امام خمینی (ره) نسبت به مردم

گام نخست در پیاده کردن ایده ها، قواعد و شکل جدید زندگی سیاسی، اعتماد به نیروی مردم به عنوان موتور محرک انقلاب و تکیه گاه محکم برای تدوام شکل جدید حیات سیاسی است. منش و بیانات امام (ره) نشان می دهد از همان ابتدا تکیه گاه محکم را یافته و سرمایه گذاری عظیمی در جذب و حفظ آن صرف کرده است. تجربه امام از نامفهوم بودن زبان اعتماد میان ملت و دولت در حکومت پهلوی این نکته را برجسته ساخت که سرمایه یک نظام سیاسی می تواند اعتماد به نیروی زور و سرنیزه (استبداد)، اطمینان و تکیه بر ماورای مرزها (استعمار و دست نشانگی) و یا اعتماد متقابل شهروندان و حکومت و متصدیان امور (مردم سالار) باشد. امام با توجه به آموزه های سیاسی فقه و شریعت اسلام و تجربه ناکارآمدی حکومت های پادشاهی در ایران؛ گزینه سوم را برگزید و در جهت تأسیس جامعه توحیدی و ظهور اجتماعی آن؛ بر پتانسیل دینی و اجتماعی مردم ایران اعتماد کرد و در مواضع گوناگون اطمینانش به مردم را به اثبات رساند و با هر سخنی که آنان را غیرقابل اعتماد می خواند؛ مقابله می کرد و از صداقت، وفاداری و فداکاری آنان دفاع می نمود (روحانی، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

ساخت مذهبی مردم ایران پتانسیل لازم برای ایجاد نظام پیروان قابل اعتماد را برای امام فراهم نمود لذا ایشان ضمن اطمینان به همراهی مردم در صورت آگاه شدن آنان از نواقص و معایب سیستم سیاسی موجود؛ آگاهی بخشی و بیداری ملت را سرلوحه مبارزات سیاسی خود قرارداد. امام این ضرورت را درک کرده که ایجاد زبان مشترک به یکباره رخ نخواهد داد و نیازمند گذر زمان است. ایشان معتقد بود که با بیداری ملت، اراده آنان در جهت انجام تکلیف دینی و تحقق قواعد مورد نظرشان همسو خواهد شد و شکل نو از زندگی سیاسی را رقم خواهد زد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۶۷).

«ما از اول ... چون رژیم را قانونی نمی‌دانستیم، درصدد بودیم و لکن به تدریج ملت بیدار شد. یک امری نبود که بتوان در همان اوایل این کار را انجام داد. در این مدت کم‌کم مردم بیدار شدند و از یک سال و نیم قبل [نیمه دوم سال ۱۳۵۶] به این طرف، این آگاهی به اوج خود رسید و منتهی به این مسائل شد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۸۳). این یک مسئله‌ای بود که باور کسی نمی‌آمد. لکن شما دیدید که وقتی... ملت اراده کرد،... دشمن را از صحنه بیرون کردند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۵۳۵).

ب- شکل‌گیری اعتماد مردم نسبت به امام خمینی(ره)

وجه دوم از تحقق زبان مشترک میان امام و ملت در ساختن زندگی جدید، به عواملی بر می‌گردد که از زمینه اجتماعی و تاریخی پیش از انقلاب و نیز عملکرد و رفتار امام منعکس می‌شود. بررسی شکل زندگی و روابط اجتماعی مردم ایران نشان می‌دهد که صبغه شیعی و استمرار قواعد و آموزه‌های مذهبی، سازنده صورتی از زبان مرجع و مقلد است که در آن مراجع تقلید به‌عنوان جانشینان پیامبر(ص) و ائمه(ع) از چنان جایگاه و اعتباری برخوردارند که افراد جامعه نه تنها در حوزه مسائل دینی و شرعی که در امور اجتماعی و سیاسی نیز به آنان مراجعه و از قواعد مطلوب آنان پیروی می‌کنند. تاریخ معاصر ایران نقش انکارنشده‌ای نظام مرجعیت را در به صحنه کشاندن مردم از طریق یک جمله (فتوا) و شکل‌دهی به نهضت‌های ضداستعماری و ضداستبدادی (نهضت تنباکو و مشروطه) نشان می‌دهد. امام نیز ضمن آگاهی از این گذشته و در مقام علمیت و مرجعیت جامعه^۱، با فعال‌سازی و بهره‌گیری از این ظرفیت اعتمادساز (اعتماد عمومی به مرجعیت و روحانیت)^۲، آن را تقویت نمود، رنگ و بوی سیاسی بخشید و نهایتاً به عرصه روابط رهبر و حکومت‌شوندگان در حکومت ولی فقیه تسری داد. ایشان با آگاهی از اعتماد ملت به خود^۳، در بدو ورود به ایران در دوازده بهمن اعلام کرد دولت آینده را تعیین می‌کند و با توجه به دو اصل مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی، تاسیس شورای انقلاب را در ۲۲ دی ماه ۱۳۵۷ اعلام کرد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۲۶ و ج ۶: ۱۶).

۱. پس از فوت آیت‌الله بروجردی، علی‌رغم مخالفت رژیم؛ بسیاری از علما مرجعیت و علمیت امام خمینی را تأیید و به مردم ابلاغ کردند (روحانی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۷۳ و ۶۹).

۲. پیوند روحانیت و مردم یکی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی در ایران است که تسهیل و پیشبرد امور را موجب می‌شود (فقیه، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

۳. «مرا ملت به رهبری پذیرفته است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۷۱).

شکل‌گیری زبان مشترک میان مردم و امام، مرهون یکسری ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ایشان است که مردم را به پیروی بی‌چون و چرا ترغیب می‌کرد. امام علاوه بر ویژگی‌های ظاهری چون سیما و سیادت؛ دارای حسن خلق، پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی، صداقت (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۳۵)، روحیه نقدپذیری (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۳۷) و رفق و مدارا بود و از شادی مردم خشنود و از رنج و ناراحتی آنان محزون می‌شد (عیوضی و فتاحی، ۷۵). تبلور شجاعت، عدم ترس از شکست (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۶۹)، اعتقاد راسخ به هدف و عدم تردید در امام، او را تکیه‌گاه امن برای دستیابی به آرمان‌های سیاسی و اجتماعی مردم نموده بود: «اگر مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم و تاحالا نترسیده‌ام» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۹۳). مهارت ارتباطی، صراحت لهجه و زبان ساده و همه فهم ایشان باعث ارتباط گسترده امام با اقشار مختلف شد. زبانی که امام مردم را مخاطب قرار می‌داد همراه بود با حس همدلی با ملت و بیان آرمانها و عناصر مشترکی چون استقلال ملی، محرومیت‌زدایی، عدالت‌خواهی (فوران، ۱۳۷۸: ۵۷۴)، مخالفت با استبداد، وابستگی و دوری از اسلام. لذا مردم ایران امام را نقطه کانونی آزادی از استبداد و وابستگی، بازگشت به اسلام و استقلال شناخته و ضمن اعتماد و اطمینان، قلبا به او عشق می‌ورزیدند.

«همیشه خواست مردم را بدون هیچ گونه تردیدی اعلام نمودم و این قهری است که مردم چون خواست خود را در من می‌دیدند به من رو آوردند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۹۸).

برخورد باز و رفتار متعادل امام با گروه‌های مبارز و انقلابی و عدم طرد نیروهایی که مرام و مسلکی متفاوت از ایشان داشتند؛ اعتمادساز تلقی شد و امام را به‌عنوان محور مبارزه علیه شاه پذیرفتند. برای نمونه با وجود عدم اعتماد امام نسبت به نیروهای چپ و کمونیست در ایران، بنا به مصلحت و حفظ وحدت در صفوف مبارزان؛ آنان را هرگز طرد نکرد و در بیان جایگاه آنان در حکومت پس از انقلاب به خبرنگاران گفت: همه احزابی که برای مصالح ملت کار کنند آزاد خواهند بود (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۴۹). توافق اقوال و اعمال امام، ایجاد روحیه امید و خودباوری در مردم، همسطح بودن شئون زندگی ایشان با طبقات پایین و ضعیف مردم، مجموعه‌ای دیگر از رفتار اعتمادساز امام است که تنها در چهارچوب اعتماد سیاسی نمی‌گنجید و سایر حوزه‌های مادی و معنوی زندگی مردم را در بر می‌گرفت.

همه آنچه در این بخش گفته شد نشان می‌دهد امام چگونه توانست توافق اجباری شکل گرفته در بازی سیاسی پهلوی و حکومت پادشاهی را درهم شکند و با ابطال گزاره‌های سیاسی و اجتماعی آن، به خصوص قواعد مربوط به روابط شهروندان و دولت؛ شکل جدیدی از زندگی سیاسی را با توافق و جذب اعتماد مردم با محوریت اسلام و آموزه‌های سیاسی آن محقق ساخت.

۳-۳ زندگی سیاسی امام و اعتماد سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب بازی جدیدی در بستر زندگی سیاسی اجتماعی ایرانیان با قواعد و ماهیت بسیار متفاوت رخ داد. زندگی سیاسی امام چه در دوران مبارزه و چه در دوران زعامت در جمهوری اسلامی ایران مملو است از تلاش‌های ایشان برای شفاف‌سازی قواعد و هنجارهایی که بر مبنای آن زندگی جدید سیاسی ملت شکل گرفت. به نظر می‌رسد منطق شفاف‌سازی از آن جهت است که افراد به فضای شفاف و

صادقانه بازی، بهتر اعتماد می‌کنند و طبق آنچه مشترکاً از آن تفسیر می‌کنند، عمل می‌نمایند. تطابق گفتار و رفتار امام، توضیح مفهوم ولایت فقیه و پاسخ به شبهات وارده در زمان تصویب قانون اساسی، بیان شفاف و مستقیم مسائل و مشکلات با ملت، ارتباط نزدیک، صمیمانه و بی واسطه با اقشار مختلف مردم، تاکید بر صیانت از آراء مردم، خدمت‌گزار نامیدن خود و.... مهمترین اقدامات اعتمادساز امام در دوران رهبریشان بر نظام جمهوری اسلامی بود. امام بازی جدید را مرهون اعتماد ملت به امام می‌دانست. بنابر این در جهت محدود کردن عوامل کسری اعتمادسیاسی در جامعه، قواعد و هنجارهای مختلفی را در گفتار و رفتارشان رعایت می‌کرد.

قواعد سلبی و ایجابی اعتماد سیاسی از زبان امام

گفتار و رفتار امام پس از انقلاب سرشار از نکاتی درباره بایدها و نبایدهای اعتماد سیاسی است که متناسب با هویت اسلامی- ایرانی و تجربه زندگی در دو شکل متفاوت از سیستم سیاسی می‌باشد. بررسی عملکرد و بیانات ایشان نشان می‌دهد قواعد بازی اعتماد سیاسی مانند دو روی یک سکه، از یک طرف به وظایف و عملکرد نظام، تصمیم‌گیران و متصدیان امور با عنوان «دولت خدمت‌گذار» و از روی دیگر به وظایف ملت در مقابل دولت، تحت عنوان «ملت حمایتگر» مربوط می‌شود. از نظر امام قدم اول در ایجاد زبان مفاهمه و اعتمادساز می‌بایست از جانب دولت برداشته شود و ملت نیز در جهت تداوم رابطه مسالمت‌آمیز و سازنده، می‌بایست از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت پشتیبانی نماید. پیروی از قواعد این بازی نه تنها به قوام متقابل رابطه همکاری‌جویانه دولت و ملت منتهی می‌شود، بلکه بقاء نظام اسلامی را که از اوجب واجبات است؛ تضمین می‌کند(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۲۲۳ و ۱۶: ۳۸۸).

امام معتقد بود جذب اعتماد جامعه و شهروندان از باور و اعتقاد درونی متصدیان امور به قدرت تعیین کننده مردم می‌جوشد(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۵۰۱ و ۱۲: ۱۳۹). دولت‌هایی که خودشان را «فرمانفرما و همه چیز می‌دانند، برای ملت هیچ [اعتباری] قائل نیستند از پشتیبانی ملت محرومند»(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۹۴). عدم درک و فهم زبان دولت توسط شهروندان ممکن است با نقض قوانین، فرار مالیاتی^۱؛ تخریب و تضییع اموال عمومی، کارشکنی در اجرای امور، تنها گذاشتن دولت در شرایط جنگ و تحریم همراه باشد و آنگاه که زبان دولت و ملت یکی شود و حسن‌ظن، همکاری و وابستگی متقابل بر مناسبات آنان حاکم شود؛ نه تنها انجام امور جاری تسهیل می‌گردد، بلکه در شرایط بحران و جنگ نیز شهروندان از جان و مال خویش خواهند گذشت(امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۲۲؛ ۸: ۲۲۳؛ ۱۰: ۴۱۷ و ۱۶: ۴۹۳).

۱. برخی جامعه‌شناسان پرداخت مالیات توسط شهروندان را از علائم بالا بودن اعتماد سیاسی می‌دانند که نشان از بالا بودن همکاری‌های اجتماعی و عمومی است (Scholz and Lubell, 1998: 398.417).

«دولت و مردم نبایستی از یکدیگر جدا باشند؛ اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خوشنود می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌دزدند؛ ولی هر گاه یکی باشند، مردم گلیم زیر پای خود را در مواقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۲۲ و ۱۲۳).

ایشان رمز اطاعت و اعتماد مردم را خدمت‌گزاری و پایین‌تر بودن مسئولان از سطح عمومی مردم می‌داند. مادام که گارگزاران خود را بالاتر و تافته جدا بافته بدانند و رفتار تحکم‌آمیز با مردم داشته باشند؛ مردم از حکومت فاصله می‌گیرند. از نظر امام، متصدیان امور رفتارشان به گونه‌ای باشد که مردم آنان را به عدالت بشناسند، دستشان به مال افراد دراز نباشد، به بیت‌المال خیانت نکنند و فساد و خیانت در آن دولت استننا باشد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۰؛ ۸: ۲۲۳؛ ۱۰: ۲۲۵ و ۴۱۷). در واقع همنوایی گفتار و رفتار دولت‌مردان یکی از مهم‌ترین عامل ایجاد زبان مشترک میان مردم و دولت محسوب می‌شود.

امام به این نکته ظریف دقت دارد که خدمت‌گزاری دولت باید به ایجاد احساسی در مردم منجر شود که علی‌رغم وجود مشکلات، دولت به نفع و مصلحت آنها عمل می‌کند. بنابراین بالا بودن شاخص‌های پوزیتیویستی در اقتصاد و اجتماع، تنها دلیل کافی برای اعتماد و حسن‌ظن مردم به سیستم سیاسی محسوب نمی‌شود بلکه تفسیر و برداشت مثبت شهروندان نیز در افزایش اعتماد سیاسی اهمیت بالایی دارد. این مسئله در ایران پس از انقلاب، با توجه به تجربه و ذائقه تلخ مردم از رژیم گذشته اهمیت دوچندان دارد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۴۱۷ و ۱۳: ۳۷۰). لذا به باور امام، اعتماد بین ملت و دولت باید صمیمانه و از جنس روابط عاطفی و به تعبیرشان به بدست آوردن قلب مردم باشد:

«کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید... وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است؛ ملت از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می‌ماند، و مردم هم پشتیبان شمایند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۵۱۲).

امام (ه) در ذیل مبحث دولت خدمت‌گزار به جزئیات دیگری نیز توجه دارد که مهم‌ترین آن نقاط اتصال بدنه نظام سیاسی با شهروندان است. نقاطی که در اصطلاح جامعه‌شناسی به «نقاط تماس»^۱ موسوم است. امام این نقاط را «مراجع امور» می‌نامد (مسئولان قضایی، اجرایی، نظامی، انتظامی و روحانیون). از منظر ایشان، هر چه پایبندی مراجع امور به دین در گفتار و رفتار بیشتر باشد؛ شهروندان جامعه اسلامی بیشتر به آنان اعتماد خواهند کرد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۱ و ۷) لذا عمل به اسلام یکی از راه‌های جذب حسن‌ظن افراد به نظام سیاسی است (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۴۳). در کنار تعهد به اسلام، امام شرایطی را بر می‌شمارد که باید مسئولان از آن بهره‌مند باشند: توانایی اداره دستگاه مطبوع و داشتن تخصص کافی، خودشناسی، عدم عضویت در سیستم فاسد رژیم گذشته، عدم شهرت به سرمایه‌داری، عدم انحراف فکری و عقیدتی و نیز ترجیحاً از روحانیت نباشد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۵۱ و ۱۲: ۲۷۸)

۱. گیدنز نقاط تماس را پیوند افراد با جمع‌های غیر مشخص و یا نمایندگان نظام‌های انتزاعی مینامد. اگر افراد تجارب ناخوشایندی در یک نقطه تماس با نهادهای سیاسی داشته باشند روابط شهروندان با نظام سیاسی کمرنگ یا قطع خواهد شد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

ایشان معتقد بود به افرادی که سوابق اسلامی نداشته اند نمی‌توان اعتماد کرد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۳۳۳). امام ملاک عینی حسن‌ظن ملت به کارگزاران و نظام سیاسی را آراء مردم در انتخابات می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۴۹ و ۱۵: ۷۳). انتخاباتی که افراد آزادانه به انتخاب رجال مورد اعتماد جهت انجام مسئولیت سیاسی مبادرت می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۳۷).

به بیان امام، یکی از مسائلی که ممکن است به ایجاد زبان اعتماد میان مردم و خدمت‌گزاران نظام لطمه وارد می‌سازد، مطرح شدن انتقادات خلاف واقع از دولت، در رسانه‌هاست. «کوشش می‌شود دولت را در نظر مردم بد جلوه دهند. من نمی‌گویم دولت صددرصد موفق است؛ لکن می‌گویم خدمت‌گزار است و کوشش دارد انجام خدمت بدهد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۲۶).

«... آبروی قشر بسیار زحمتکش را می‌ریزد و ملت را به دولت خدمت‌گزار و ادارات مظلوم بدبین می‌کند و ممکن است انعکاس آن موجب شکست سیاسی بلکه نظامی برای کشور اسلامی باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۹: ۴۲۱ و ۴۲۲).

روی دوم اعتماد سیاسی که پشتیبانی و حمایت مردم از نظام سیاسی و خدمت‌گزاران است، زمانی فرا می‌رسد که دولت تمام تلاش خود را در جذب اطمینان و خدمت‌گزاری به ملت صرف کرده و اکنون باید ملت اعتماد و حسن‌ظن خود را با حمایت و پشتیبانی از خدمت‌گزاران خود نشان دهند. به دیگر سخن خدمت حق مردم است و حمایت حق حاکم. این مسئله گاه آنقدر اهمیت دارد که امام آنرا به عنوان امری واجب توصیف می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۶۳ و ۷: ۹ و ۱۳: ۷۹) و خود نیز در عمل به آن پیشتاز است به نحوی که در حکم انتصاب افراد (بنی‌صدر و ابراهیم‌یزدی) از اعتماد به آنان در انجام درست کارها سخن می‌گفت (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۲۰۹ و ۱۲: ۱۳۹) و همواره اعتماد خود به دولت و دولتمردان وقت را نشان می‌داد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۵۲ و ۷: ۳۵۲) و بر لزوم تبعیت از آنان به‌عنوان دولت اسلامی تأکید (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۴۲ و ۳۶۳) و از اعتماد و پشتیبانی ملت تشکر می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۰۹). رفتار امام نشان می‌دهد که گاهی علی‌رغم میل باطنی، به نظرات کارشناسان سیاسی و نظامی اعتماد می‌کند و برای مثال قطعه‌نامه ۵۹۸ را می‌پذیرد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ۹۲).

«من اعلام می‌کنم به همه ملت که امروز مخالفت با دولت، مخالفت با مجلس، مخالفت با جمهوری اسلامی، مخالفت با ارگان‌هایی که در جمهوری اسلامی است، مخالفت با اسلام است و موجب تباهی این کشور و این ملت خواهد شد. باید همه پشتیبان باشند و همه توجه کنند به اینکه در یک همچو مشکلاتی، گرفتاریها را ... به تدریج، ان شاء الله، رفع می‌کنند. این موجب تشکر ملت باید باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۱۵).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با رویکرد زبانی به بازنمایی معنای اعتماد سیاسی از منظر امام خمینی(ره) می‌پردازد و زندگی سیاسی امام را بستری مناسب برای فهم و توصیف معنای آن لحاظ کرده است. امام به‌عنوان سیاستمداری عملگرا و مجتهدی که به مقتضیات زمان و مکان توجه دارد با شناخت خصوصیات روانی، جامعه‌شناختی و مذهبی زندگی ایرانی، اعتماد سیاسی را یک جریان دوسویه میان شهروندان و نظام سیاسی ارزیابی می‌کند که در این زبان مشترک، ادراک شهروندان از عملکرد دولت بر مبنای خدمت‌گزاری شکل می‌گیرد و در مقابل افراد اعتماد خود را در قالب پشتیبانی و حمایت از سیستم و کارگزارانش ابراز می‌نمایند. تجربه زندگی سیاسی امام نشان داد آن‌گاه که منبع اعتماد زور و ارباب باشد و یا دولت نیازی به اعتماد شهروندان نداشته باشد و به قدرتهای خارجی تکیه زند؛ کنش کاربران و پیروان بازی اعتماد سیاسی به سمت دشمنی تنفر، کارشکنی و بی‌قانونی می‌روند. آشکارسازی مفهوم اعتماد سیاسی از منظر امام نیازمند پرداختن به این مسئله مضاعف بود که امام خمینی چگونه توانست قواعد این بازی را در میان پیروان آن به شکل سرنگونی رژیم شاه و استقرار حکومت اسلامی به رهبری و زعامت خود تغییر دهد؟ یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد برخورداری امام از ظرفیت اعتمادساز نظام مرجعیت شیعه و مجموعه از ویژگی‌های شخصی و رفتاری ایشان به تدریج اطمینان و علاقه مردم را به سمت آرمان‌های او جذب کرد و مجموعه‌ای از یاران معتمد را برای تغییر زندگی سیاسی به سمت نظام مطلوب مهیا نمود.

نوشتار حاضر تلاشی بود تا معنای اعتماد سیاسی را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی-زبانی، نه در اندیشه خصوصی و ناپیدای امام(ره) که با مراجعه به منظومه گفتاری و رفتاری ایشان و در بستری از «نظام‌های کرداری» موجود در زندگی سیاسی امام بازنمایی کند. فایده این بحث، بهره‌گیری از تجارب فردی است که خواسته یا ناخواسته به قواعد این سرمایه توجه داشته و بر مبنای آن توانست بقاء نظام سیاسی را به رقم تهدیدات داخلی و خارجی حفظ نماید. ضمن آنکه مقدمه تشکیل جمهوری اسلامی مسبوق به جذب اعتماد مردم به سوی ایده‌های ایشان بوده است. به‌نحوی که اتکای امام به سرمایه‌های ناپیدای سیاسی و اجتماعی رمز حرکت جامعه به ساختن شکل جدیدی از زندگی سیاسی شد که در آن اتکا به سرمایه‌های غیرمادی و اجتماعی سرنوشت‌ساز بوده است. فهم فرمول اختصاصی امام در جذب و حفظ اعتماد سیاسی مردم ایران، برای مدیران و رهبران حال و آینده بسیار مفید و حایز توجه است. به‌نظر می‌رسد آن‌زمان که فهم مسئولان نظام هم‌جهت با فهم امام از اعتمادسیاسی قرار می‌گیرد؛ مورد اقبال و اعتماد مردم قرار می‌گیرند و آنگاه که از گرامر و استانداردهای امام که نتیجه فهم و شناخت ایشان از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی و مذهبی مردم ایران است، نادیده گرفته شود، عدم‌اعتماد مردم در رای و نارضایتی منعکس می‌گردد.

این مقاله مدعی نیست که به فهم صددرصد و دقیق از معنای اعتماد سیاسی از منظر امام(ره) دست یافته زیرا بر مبنای رویکرد بازی‌های زبانی معیار کاملی برای فهم دقیق وجود ندارد و هر کس اصرار بر دقیق بودن دارد به مثابه آن است که فردی برای اندازه‌گیری معیاری جز قدش نداشته باشد. «تصور کنید کسی بگوید «من می‌دانم قدم چقدر است» و برای اثبات آن دستش را بالای سرش بگذارد»

(ویتگشتاین، ۱۳۸۰: ۲۷۹). از طرف دیگر ممکن است وجهی از این زندگی امام در اختیار ما نباشد و یا اینکه علیرغم تلاش صورت گرفته، ذهنیت و پیش داوریهها بر توصیف معنای اعتماد سیاسی سایه انداخته باشد.

Archive of SID

منابع

- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۶)، *صحیفه امام*، چاپ چهارم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح الله (بی تا)، *کشف الاسرار*، قم: انتشارات آزادی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، جلد اول، ترجمه احمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- پناهی، محمد حسین، شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، اثر دینداری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۷.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی*، در: اعتماد، دموکراسی و توسعه به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران*: از روی کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ هفتم.
- روبینشتاین، دیوید (۱۳۸۶)، *مارکس و وینگشتاین: پراکسیس اجتماعی و تبیین اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- روحانی، حمید (۱۳۶۰)، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، تهران: انتشارات راه امام.
- روحانی، حمید (۱۳۷۶)، *نهضت امام خمینی*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ستوده، امیر رضا (۱۳۸۲)، *پایه پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی*، تهران: نشر پنجره.
- سردارنیا، خلیل الله؛ قدرتی، حسین و اسلام، علی رضا (۱۳۸۸): تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر - اعتماد سیاسی: مطالعه موردی؛ شهرهای مشهد و سبزوار، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، زمستان.
- سیدامامی، کاووس، منتظری مقدم، رضا (۱۳۹۱)، نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم.
- عیوضی، محمدرحیم، فتحی، یوسف (۱۳۹۰)، رهبری و سرمایه اجتماعی با رویکرد به رهبری امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، شماره ۵۱.
- فقیه، سیده فاطمه (۱۳۸۷): سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۷.
- فلاح، محمود (۱۳۸۶)، روشنفکری دینی و مسئله زبان در ایران معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید.
- فوران، جان (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب، ترجمه محمد تدین، چاپ دوم، تهران: رسا.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم/سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، غلامعلی توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، پایان قرن بیستام بود، گفتگو با آنتونی گیدنز، ترجمه نیکو سرخوش، کتاب ماه اجتماعی، شماره ۴۷-۴۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیت، محسن ثلاثی*، تهران، مرکز.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۳)، *سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۳)، *فهم اجتهادی شریعت و زندگی سیاسی*، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۰)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.

- ویتگنشتاین، لودویگ(۱۳۸۰)، *پژوهش‌های فلسفی*، ترجمه‌ی فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- ویتگنشتاین، لودویگ(۱۳۸۳)، *برگه‌ها*، ترجمه‌ی مالک حسینی، تهران: هرمس.
- ویتگنشتاین، لودویگ(۱۳۸۳)، *درباره یقین*، ترجمه‌ی مالک حسینی، تهران: هرمس.
- ویتگنشتاین، لودویگ(۱۳۸۵)، *کتاب‌های آبی و قهوه‌ای: تمهیدات پژوهش‌های فلسفی*، ترجمه ایرج قانونی، تهران: نشر نی.
- هرس، روی(۱۳۸۱)، *زبان، سوسور و ویتگنشتاین: چگونه می‌توان با واژه‌ها بازی کرد*، ترجمه‌ی اسماعیل فقیه، تهران: نشر مرکز.
- Cole, R.L.(1973). *Toward a Model of Political Trust: A Causal Analysis*, *American Journal of Political Science*, Vol. 17, No. 4
- Levi, M. and L. Stoker (2000). *Political Trust and Trustworthiness*. *Annual Review of Political Science*, 3 .
- Newton, Kennet (2001). *Trust, Social Capital, Civil Society and Democracy* , *International Political Science Review*, Vol. 22, No. 2
- Kenneth Newton, *Social and Political Trust*. available at: [http:// :
essedunet.nsd.uib.no/cms/topics/ 2/](http://essedunet.nsd.uib.no/cms/topics/2/)
- Scholz, J.T. and M. Lubell (1998). *Trust and Taxpaying: Testing the Heuristic Approach to Collective Action* . *American Journal of Political Science*, Vol.42, No.2
- Williams,J.(1965). *Systematic Influences on Political Trust: The Importance of Perceived Institutional Performance*, *Political Methodology*, Vol. 11, No. 1-2
- Wroe, Andrew, Allen, Nicholas, Birch, Sarah, *The Role of Political Trust in Conditioning Perceptions of Corruption* available at: [www.essex.ac.uk: government:
ethicsandintegrity : WroeAllenBirchWebsiteVersion.pdf](http://www.essex.ac.uk: government: ethicsandintegrity : WroeAllenBirchWebsiteVersion.pdf)